The Culture of Islamic Architecture & Urbanism

Historic Urban Landscape Approach: A New Tool for Urban Heritage Management

Sanaz Jafarpour Nasser[1*], Eisa Esfanjary Kenari[2], Manouchehr Tabibian[3]
1. PhD Candidate in Architectural and Urban Conservation, Art University of Isfahan, Iran.
2. Assistant Professor of Architectural and Urban Conservation, Art University of Isfahan.
3. Professor of Urban Design & Planning, University of Tehran, Iran.
(Received 16 Mar 2020, Accepted 9 Jun 2020)

The phenomenon of rapid urbanization and transformation of existing cities has put the conservation of heritage areas in the core of urban planning agenda. However, the traditional notions of monuments, groups of buildings or city sections, identifying them as separate entities within a wider urban context, is no longer sufficient to protect the characteristics and qualities of heritage from fragmentation, degeneration and subtraction of significance. Therefore, there was a transformation in both concept and scale of conservation, aroused from the challenges in this field, and as a consequence, a new approach to deal with properties in territorial scale, the Historic Urban Landscape, emerged. This approach moves the consideration of urban areas into an ecological framework, and accepts a dynamic rather than static view of cultural heritage in general, and urban heritage in particular. On 10 November 2011 UNESCO's General Conference adopted the new Recommendation on the Historic Urban Landscape (HUL) by acclamation, the first by UNESCO regarding urban heritage since 1976 (UNESCO 1976), aiming to facilitate the integration of heritage management and urban development. This Recommendation promotes a landscape-based approach, in which the existence of an inventory of resources and the identification of values and vulnerabilities are essential factors when drawing up urban development policies. Likewise, particular emphasis is placed, not only on the involvement of different disciplines but also on the role of other stakeholders and the community in heritage management and consequently in urban development where relevant. The HUL concept is not limited to the physical and spatial organization of the urban territory and its surroundings; it can also refer to social and cultural practices, economic processes, as well as other intangible dimensions of heritage. The HUL approach is an answer to the management of historic cities under new forms of development pressure with the main goal to preserve the significance and qualities of the city itself. In fact, the question in HUL should be about "historic urban landscape concept and approach," which aims at preserving the quality of the human environment. There is an important role for all actors in gaining an understanding of the HUL concept and approach, and then developing and applying tools and best practices to implement this important guidance. The outcomes of applying the HUL approach include continuity of historic urban identity as part of daily life, thriving social interaction and economic activity, and environmental quality in historic settlements of all types. The HUL approach can aid in achieving these objectives. These goals can be achieved by applying the four tools through a six steps action plan that is circular in nature. In this way, the research aims to study the significance of the HUL concept and approach, gives answer to "what HUL is about" and "how can it be used in urban heritage management," using qualitative content analysis technique. This paper, addressing the UNESCO (2011) Recommendation, is structured as an explication employing sections of the HUL text with discussions of their meaning and import. Discussions are used to express the implications and diversity of applications of this important statement on the urban future.

Keywords: Historical Urban Landscape (HUL), Paradigm shift in urban conservation, Urban heritage, Landscape approach, Change management.

* Corresponding author. E-mail: s.jafarpour@aui.ac.ir

Copyright© 2020, the Authors | This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial .terms

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

مقالهٔ پژوهشی

DOI: 10.29252/ciauj.5.1.183

سال پنجم، شماره اول- بهار و تابستان ۹۹

رویکرد منظر شهری تاریخی ابزاری جدید برای مدیریت میراث شهری

ساناز جعفر پور ناصر [۱*]، عیسی اسفنجاری کناری [۲]، منوچهر طبیبیان [۳]

۱. دانشجوی دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

۲. استادیار، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. استاد، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰)

چکیده

امروزه، گسترش شهرنشینی و تغییرات سریع شهرها، حفاظت از مکان‌های میراث فرهنگی را در مرکز توجهات برنامه‌ریزی شهری قرار داده است. مفاهیم متداولی که سعی در تعریف بناهای یادبودی، گروه‌های ساختمانی و پهنه‌های شهری به‌عنوان موجودیتی مجزا در زمینهٔ شهری گسترده‌تری را داشتند، دیگر برای محافظت از خصوصیات و کیفیات آن‌ها در برابر تکه‌تکه شدن، تخریب و انحطاط، کافی به نظر نمی‌رسد. ازاین‌رو، تحولی هم در مفهوم و هم در مقیاس حفاظت به وجود آمده است که نشئت‌گرفته از چالش‌های موجود در این زمینه و به‌تبع آن، همراه با ظهور رویکردهای جدیدی جهت پرداختن به این دارائی‌ها در مقیاسی سرزمینی، مانند منظر شهری تاریخی (HUL)، است. بااین‌وجود، درزمینهٔ عملیاتی و توسعهٔ ابزارهایی برای شناسایی، محافظت، مدیریت و پایش چنین دارائی‌هایی، پیشرفت‌های شایسته‌ای صورت نگرفت تا برای حفاظت از نواحی شهری تحت‌فشار از سوی تغییرات، مورداستفاده قرار گیرند. بر این اساس، طی دو دههٔ گذشته، هم از دیدگاه توسعهٔ شهری و هم از دیدگاه حفاظت، درخواستی مستمر مبنی بر توسعهٔ ابزاری جدید جهت تحریک یکپارچگی این زمینه‌ها و اجرای رویکردی مبتنی بر منظر به وجود آمده است. منظر شهری تاریخی، پاسخی است برای مدیریت شهرهای تاریخی که تحت شکل‌های جدیدی از فشارهای ناشی از توسعه قرار دارند، با این هدف اصلی که منزلت و کیفیت زندگی شهری حفظ شود. ازاین‌رو، در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی، با پرداختن به «مفهوم» و «رویکرد» HUL در قالب مفاد «توصیه‌نامه ۲۰۱۱ یونسکو»، به چیستی HUL و چگونگی کاربست سیاست‌ها و ابزارهای پیشنهادی آن در مدیریت میراث شهری، پاسخ داده شود. بنابر یافته‌های پژوهش حاضر، HUL به‌عنوان یک «مفهوم» به روش‌شناسی کل‌نگر برای شناخت و درک تحولات لایه‌های حامل ارزش یک سکونتگاه انسانی اشاره دارد و به‌عنوان یک «رویکرد»، ادغام راهبردهای حفاظت از منابع میراثی را در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری مدنظر قرار داده است.

واژگان کلیدی

منظر شهری تاریخی (HUL)، تغییر پارادایم در حفاظت شهری، میراث شهری، رویکرد مبتنی بر منظر، مدیریت تغییر در منابع میراثی.

* نویسندهٔ مسئول مکاتبات: s.jafarpour@aui.ac.ir

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

مقدمه

طی دهه‌های اخیر، سرعت پرشتاب و خارج از کنترل تغییرات شهری، به‌طور فزاینده‌ای جوامع انسانی را با چالش‌های جدیدی در مورد چگونگی مدیریت میراث شهری مواجه کرده است. دیگر، میراث شهری را نمی‌توان به‌عنوان یک واقعیت مجزا، محدودهٔ محصوری که به‌واسطه طرح‌ها و ضوابط از نیروهای بیرونی تغییر در امان مانده، تصور کرد (Bandarin 2015, 15). در این رویکرد سنتی، مدیریت میراث شهری همواره بر حفظ «بافت» برجای‌مانده از گذشته، برای نسل‌های آینده متمرکز بوده است (Zancheti & Jokilehto 1997, 37). اگرچه این امر هنوز هم جاری هست، بااین‌حال تغییری قطعی در «اندیشهٔ حفاظت شهری» روی‌داده است. در نیمهٔ دوم قرن بیستم، نظریه‌های حفاظت به‌آرامی از رویکردی شیءگرا و زیباشناسانه نسبت به حفظ بافت تاریخی، به سمت رویکردی جامع و بوم‌شناختی برای مدیریت «منابع میراثی» تغییر کرد (Smith 2015, 187).

در چنین وضعیت در حال تغییری، «مدیریت منابع میراثی» از تأکید بر یادمان‌های معمارانه به‌سوی رویکردی فراگیرتر سوق یافت تا با درک بهتر نقش فرایندهای اجتماعی و اقتصادی در حفاظت از ارزش‌های شهری، مفاهیمی مانند «ناملموس» (Intangible)، «بستر» (Setting)، «زمینه» (Context)، توسعهٔ شهری و توسعهٔ پایدار را در برگیرد (Jokilehto 2007؛ Fairclough et al. 2008؛ Pendlebury 2009؛ Taylor and Lennon 2012؛ Bandarin and van Oers 2012, 2015). تصویب «توصیه‌نامه‌ای در باب منظر شهری تاریخی»[1] توسط یونسکو در ۱۰ نوامبر ۲۰۱۱ م. ماحصل چنین تغییر پارادایمی است. این توصیه‌نامه، با بهره گرفتن از «رویکرد منظر» به‌عنوان رویکردی فراگیر، کوشیده است تا به‌واسطهٔ مفهوم «منظر شهری تاریخی» (HUL) در چهارچوب کلی توسعهٔ پایدار، بنیانی برای رویکردی جامع و یکپارچه به‌منظور شناسایی، ارزیابی، حفاظت و مدیریت منظرهای شهری تاریخی فراهم آورد (UNESCO 2011, Arts. 5 & 10).

با مطرح‌شدن مفهوم «منظر» به‌مثابه یک «فرایند مولد فرهنگ» به‌جای یک «محصول منتج از فرهنگ»، تمرکز به‌جای ظاهر، بر عاملیت منظر (چگونه عمل می‌کند و چه می‌کند) واقع شد (Corner 1999, 4; Taylor et al. 2015, 2). این رویکرد جدید، طی دهه‌های اخیر، بر اساس نگاهی کلان‌مقیاس به محیطِ شهری و سرزمینی شهر، به‌عنوان چهارچوبی برای هدایت گزینه‌های طراحی، تراکم‌ها و ترکیب عملکردها تا انتخاب دقیق مصالح و راهکارهای پایداری موردتوجه بوده است. علاقهٔ شدید این رویکرد به زمینهٔ شهر و بُعد سرزمینی آن، جایی‌که ضوابطش از آن منتج می‌شوند، آن را نه‌فقط در توسعهٔ شهری، بلکه در مورد احیاء و بازگرداندن هویت شهری نیز به «ابزاری» کارآمد برای برخی از بغرنج‌ترین مسائل شهرسازی معاصر بدل کرد. به این معنا، لایه‌های تاریخی شهر ـ به‌عنوان زمینه‌ای بسیار گسترده‌تر که فراتر از «شهر تاریخی» دیده می‌شوند ـ به همراه درکی از زمینهٔ فیزیکی و طبیعی، راهنمایی بنیادی برای طراحی را نمایان می‌کنند (Bandarin 2015, 9).

توصیه‌نامه ۲۰۱۱ یونسکو با اتخاذ زبان «منظر شهری تاریخی»، ضمن گنجاندن زمینهٔ گسترده‌تری در قلمرو اجرایی حوزهٔ حفاظت شهری، به توسعهٔ «ابزار جدیدی» برای محافظت از نواحی شهری تاریخی انجامید. حرکت از «یادمان‌ها» به «شهرهای زنده» به‌عنوان جایگزینی برای تفکر سنّتی مدنظر نبوده است، بلکه حاکی از تهیهٔ ابزارهایی مکمل برای تعریف فرایندی بهتر جهت گنجاندن «زمینه» و «بستر» یادمان‌ها و لایه‌بندی شهر در برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی است. بااین‌حال، افزوده شدن ابعاد یک شهر زنده به یادمان، حفاظت شهری را به تعامل مقیاس‌های مختلف سوق داد (Turner 2013, 79). انعکاس این امر، در تعریف این سند از واژهٔ «حفاظت شهری» قابل‌مشاهده است: «حفاظت شهری به محافظت از بناهای منفرد محدود نمی‌شود، بلکه با تبدیل

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

کردن کل محیط شهری به منظومه‌ای پیچیده و چندوجهی، به معماری تنها به‌عنوان عنصری از آن می‌نگرد. به‌واسطهٔ این تعریف، حفاظت شهری در بطن برنامه‌ریزی شهری قرار می‌گیرد» (UNESCO 2011, Appendix). چنین تعریف فراگیری از موضوع «حفاظت شهری»، باز مفهوم‌سازی شده تحت عنوان «مدیریت میراث شهری»، نشانگر تغییر رویهٔ مهمی به‌سوی «توسعهٔ پایدار» در حکمروایی شهرهای تاریخی است (Bandarin and van Oers 2012, 63).

گذر از شیء به منظر در نظریهٔ حفاظت شهری

چهارچوب شکل یافته در زبان حفاظت شهری به‌واسطهٔ تعاریف «میراث جهانی» و دیگر اسناد بین‌المللی و ملّی از واژه‌هایی مانند «یادمان‌ها»، «گروهی از بناها» و «محوطه‌ها»، به «شیء»، به مضمون اروپایی آن، گرایش یافته است (Turner 2013, 79). در اصل، یکی از محدودیت‌های نظریهٔ حفاظت تا پیش از تصویب توصیه‌نامهٔ ۲۰۱۱ م. یونسکو، تمرکز آن بر معماری است، حتی اگر دربارهٔ نواحی شهری تاریخی باشد. برای مثال، پس از جنگ جهانی دوم، «منشور ونیز» (۱۹٦٤م.) به‌عنوان گامی مهم در عرصهٔ حفاظت از میراث فرهنگی، در تعریف مفهوم «یادمان» (Monument)، علاوه بر «اثر معمارانهٔ منفرد» آن را دربرگیرندهٔ «محیط شهری» نیز خوانده است (ICOMOS 1964, Art.1). محتوای این سند به حفاظت از یادمان‌ها و محوطه‌ها و «بستر» آن‌ها و لزوم صیانت از «اصالت» (Authenticity) آن‌ها در برابر تغییراتی در ساختار کالبدی‌شان می‌پردازد (ibid: Preamble, Art.7). این امر موجب شد تا مفهوم اصالت در بستری شهری، تنها به ابعاد کالبدی بافت خلاصه شود. در ادامه، «کنوانسیون میراث جهانی»[۲] (۱۹۷۲م.) با معرفی میراث فرهنگی در سه دسته «یادمان‌ها»، «گروهی از بناها» و «محوطه‌ها»، زمینهٔ جای گرفتن «نواحی شهری تاریخی» را در دستهٔ «گروهی از بناها» فراهم کرد (UNESCO 1972, Art.1). به‌گونه‌ای مشابه، «سند ۱۹۷۵ شورای اروپا» که برای نخستین بار مفهوم «حفاظت یکپارچه» را در نواحی شهری مطرح کرده بود، «منشور اروپایی میراث معماری» نام گرفت (CoE 1975, Art.1). «توصیه‌نامهٔ ۱۹۷٦ یونسکو» نیز علی‌رغم تأکید بر «فعالیت‌های انسانی» به‌عنوان بخشی از کلیت ناحیهٔ تاریخی، هم چنان در تعریف مفهوم «نواحی تاریخی و معمارانه»، آن‌ها را به «گروهی از بناها، سازه‌ها و فضاهای باز» منتسب می‌کند (UNESCO 1976, Art. 1-a).

آنچه در اینجا ازدست‌رفته محسوب می‌شود، ایده‌هایی هستند که می‌توانند یک ناحیهٔ شهری را فراتر از معماری، «شهری» کنند. همان‌گونه که با اطلاق منظر به فراتر از درختان، صخره‌ها و آبراهه‌ها، سعی می‌شود تا پویایی‌های آن به‌عنوان یک «منظر» درک شود (Jokilehto 2007, 28). ایده‌هایی که به دستگاه‌ها و عرف‌های ارزشی یک بستر شهری می‌پردازند و دربرگیرندهٔ مفاهیمی مانند پویایی، تغییر، تنوع و تعامل هستند. مفاهیمی که با پرداختن به آن‌ها گسترهٔ وسیع‌تری از شهر، وارد موضوع حفاظت می‌شود. در این راستا، در سال ۱۹۸۷ م. در باب حفاظت از نواحی شهری تاریخی، دومنشور توسط ایکوموس به تصویب رسید که نسبت به مفاهیمی مانند تعامل و تحول در سیستم شهری، دیدی ارزشی داشتند. در «منشور ایتای‌پاوا»، شهر در کلیت خود به‌عنوان «موجودی تاریخی» حاصل «فرایندهای مولد اجتماعی» و نواحی شهری نیز به‌عنوان بخشی از گستره‌ای وسیع‌تر تحت «فرایندی پویا از تحولات مداوم» تعریف شدند (ICOMOS Brazil 1987, Arts. 1-3). در «منشور واشنگتن» نیز با تأکید بر امر «مشارکت»، علاوه بر ساختار کالبدی شهر، رابطهٔ بین شهر و محیط پیرامونی‌اش و عملکردهایی که آن‌ها در طول زمان پذیرفته‌اند، به‌عنوان «اصالت» شهر یا ناحیه‌ای تاریخی قلمداد شد (ICOMOS 1987, Art.1).

به‌این ترتیب، در اواخر دههٔ ۱۹۸۰ م. با گذر از مفاهیمی ایستا و شیءنگر نسبت به میراث شهری و با مطرح‌شدن مفاهیمی پویا و کل‌نگر، زمینه‌ای برای شکل‌گیری رویکردی مبتنی بر «منظر» نسبت به حفاظت شهری به وجود آمد. به‌نحوی‌که کنوانسیون میراث جهانی در سال ۱۹۹۲ م. با تعریف «منظر فرهنگی» به‌عنوان دستهٔ حفاظتی مجزایی برای میراث فرهنگی، آن را دربرگیرندهٔ تنوعی از جلوه‌های تعامل میان نوع بشر و محیط پیرامونی‌اش خواند (Rössler 2015,

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

31). دهۀ ۱۹۹۰ م. را می‌توان نقطۀ عطفی در بسط مفهوم «میراث» قلمداد کرد. «منشور نارا» با احترام به تنوع فرهنگی و جنبه‌های ملموس و ناملموس میراث، به مفهوم «اصالت» می‌پردازد (ICOMOS 1994)؛ «منشور بورا» (مصوب ۱۹۷۹ م.) نیز با بازنگری در سال ۱۹۹۹ م. مفاهیم «منزلت فرهنگی»[۳] مکان و «مدیریت تغییر» (Change Management) را در فرایند حفاظت تبیین می‌کند (Australia ICOMOS 1999).

از طرفی، طی دهۀ ۱۹۹۰ م. «جغرافیای فرهنگی» با گذار از مطالعۀ سیر تکوینی الگوها و نمادهای عینی فرهنگ و پرداختن به معانی و ارزش‌های واقع در لایه‌های زیرین و پنهان آن (Matthews and Herbert 2008, 68)، موجب شد تا «رویکرد منظر» علاوه بر میراث ملموس، میراث ناملموس را نیز در برگیرد. این رویکرد در «توصیه‌نامۀ ۱۹۹۵ شورای اروپا» دربارۀ «حفاظت یکپارچه از نواحی منظر فرهنگی» قابل‌مشاهده است. در این سند، ضمن تأکید بر «حفاظت از منظر به‌عنوان عاملی جهت حفظ خاطرۀ قومی و هویت فرهنگی جوامع بشری»، به‌منظور «حراست از منافع فرهنگی، زیبایی‌شناختی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی سرزمین»، بر لزوم «توسعۀ راهبردهایی برای یکپارچه کردن مدیریت تحولات و محافظت از نواحی منظر فرهنگی» به‌عنوان «بخشی از سیاستی جامع برای کلیت منظر» اشاره‌شده است (CoE 1995, Preamble).

تغییر پارادایم در نظریۀ حفاظت شهری

در ابتدای قرن بیست و یکم، از یک‌سو، اهمیت یافتن اثرات ناشی از توسعۀ اقتصادی و اجتماعی بر میراث شهری و از سوی دیگر، موانع پیش روی توسعۀ تسهیلات شهری از جانب حفاظت، تأکید بر راهبرد «یکپارچگی (Integrity) حفاظت و توسعه» را به‌عنوان سیاستی جامع در مدیریت میراث شهری پررنگ‌تر کرد. امروزه دیگر، مسئله تنها حفاظت از میراث گذشته و نواحی تاریخی نیست، بلکه در مورد زمینه‌سازی توسعۀ جدید است (Esfanjary 2017, 34). مسیر پیشِ رو، به دنبال ابزارهای شهری مکملی به‌منظور حفاظت شهری با زبانی انعطاف‌پذیرتر است (Turner 2013, 79)، توسعۀ ابزارهای مدیریتی که شناسایی، ارزیابی و کاهش اثرات ناشی از سیاست‌ها، برنامه‌ها و مداخلات پیشنهادی را بر مجموعۀ شهری تاریخی، ممکن می‌سازد. درنتیجه، بنا به درخواست کمیتۀ میراث جهانی در سال ۲۰۰۳ م. به‌منظور پرداختن به این مسئله و ضرورت تهیه راهنمایی مدیریتی، کنفرانسی با موضوع «میراث جهانی و معماری معاصر» در ماه مِی سال ۲۰۰۵ م. در شهر وین برپا شد، «یادداشت وین»[۴] حاصل این کنفرانس است (UNESCO 2005, Preamble).

یادداشت وین به‌عنوان «سندی انتقالی»، از تغییری تدریجی به‌دوراز شیفتگی به شهر تاریخی به‌مثابه یک شیء بصری، به‌سوی علاقه‌ای به محیط تاریخی به‌مثابه فضایی برای آیین‌ها و تجارب انسانی، پشتیبانی می‌کند (van Oers 2010, 8). این سند با تعریف «منظر شهری تاریخی» برای نخستین بار، سعی کرد تا برخی از محدودیت‌های رویکرد سنتی را برطرف کند. ازاین‌رو، نواحی شهری تاریخی را نه به‌مثابه «مجموع» یادمان‌ها و بافت شهری، بلکه به‌عنوان سیستمی جامع تعریف می‌کند که به‌وسیلۀ روابط تاریخی، زمین‌ریخت‌شناسی (Geomorphologic) و اجتماعی با بستر و محیط خود مشخص می‌شوند و توسط لایه‌بندیِ پیچیده‌ای از معانی و عبارات توصیف می‌شوند. یادداشت وین، نواحی شهری تاریخی را حاصل «پویایی‌هایی بلندمدت» ـ و همچنان متداوم ـ می‌بیند و «تغییر» ـ اجتماعی، اقتصادی و کالبدی ـ را نه‌تنها به‌عنوان خاستگاه تقابل، بلکه به‌عنوان تغییری مدنظر قرار می‌دهد که باید درک و مدیریت شود (Bandarin and van Oers 2012, 72).

به‌این ترتیب، از اواخر دهۀ ۱۹۹۰ م؛ و در دهۀ نخست از قرن بیست و یکم، با توسعۀ مفهوم میراث شهری، حوزۀ عمل حفاظت شهری از «میراث فرهنگی انسان‌ساخت» تا «فرایندهای یک ساختار شهری» در حال گسترش بوده است. همچنین با تأکید بر مفهوم «مدیریت تغییر» به‌عنوان عاملی جهت کنترل و تعدیل تحولات شهری، حفاظت شهری به‌گونه‌ای فزاینده از صیانت مکان‌های مجزا، به سمت مدیریت و ارتقای یک کلیت درهم‌تنیده در حال سوق یافتن بوده است. این «تغییر پارادایم» به‌عنوان رویکردی نوین در

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

حفاظت از میراث شهری، در قالب «توصیه‌نامهٔ ۲۰۱۱ یونسکو دربارهٔ منظر شهری تاریخی» پذیرفته شد.

رویکرد HUL با برگزاری سلسله جلسات کارشناسان ۵ در نقاط مختلفی از جهان و در دفتر مرکزی یونسکو، از سال ۲۰۰۵ م. تا سال ۲۰۱۰ م. توسعه یافت. مباحث شکل‌گرفته، بر دو موضوع اصلی متمرکز شدند: نخست، تعریف منظر شهری تاریخی (HUL) و دوم، شرح راهبردها و ابزارهای جدید یا به‌روز شده‌ای برای مقابله با تغییرات و چالش‌ها (Bandarin and van Oers 2012, 195). ازآنجاکه دو موضوع یادشده، بر «نظریه» و «اجرای» رویکرد منظر شهری –تاریخی اشاره دارند، به‌منظور پی بردن به فحوای سند حاضر و فرایند پیشنهادی آن، لازم است تا این دو موضوع، به‌دقت موردبررسی قرار گیرند. ازاین‌رو، در این پژوهش سعی شده است تا به مفاهیم مرتبط با «مبانی نظری» و «چهارچوب عملیاتی» رویکرد HUL در قالب مفاد «توصیه‌نامهٔ ۲۰۱۱ یونسکو» پرداخته شود.

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر در پی پاسخ به سؤال‌های مرتبط با چیستی رویکرد منظر شهری تاریخی و چگونگی کاربست آن در مدیریت میراث شهری است. ازاین‌رو، روش تحقیق بر مبنای محتوای پرسش‌های تحقیق و نیل به هدف، دارای رویکردی کیفی است. ازآنجاکه این پژوهش تلاش دارد تا ضمن بازخوانی متن «توصیه‌نامه ۲۰۱۱ یونسکو»، به واکاوی محتوای سند و توصیف مضامین کلیدی آن بپردازد، به‌منظور پیش برد فرایند تحقیق از تکنیک «تحلیل محتوای کیفی» با راهبردی «استقرائی» (Inductive) بهره می‌برد. به‌این ترتیب، با ارجاع به بخش‌هایی از متن توصیه‌نامه، به توصیف مفهوم «منظر شهری تاریخی» و «ابزارهای پیشنهادی» سند، به‌منظور پیاده‌سازی آن پرداخته‌شده است.

«تحلیل محتوای کیفی»، مجموعه‌ای از تکنیک‌ها برای تحلیل نظام‌مند انواع مختلفی از متن‌ها است که نه‌تنها به محتوای آشکار بلکه به مضامین و ایده‌های نهان موجود در متن‌ها نیز به‌عنوان محتوای اصلی، می‌پردازد. تحلیل محتوای کیفی درصدد بسط داده‌های متنی است بر مبنای آنچه بر آن‌ها استوار است. در تقابل با خواست تقلیل‌گرای تحلیل محتوای کمّی (پایه‌ای)، تحلیل محتوای کیفی ممکن است عملاً داده‌های اولیه را بسط و یا توسعه دهد. این امر، تفاوت کلیدیِ میان تحلیل محتوای کیفی با رویکردهای کمّی و تفسیری است. محققان در تحلیل محتوای کیفی، برخلاف تحلیل محتوای کمّی، به‌جای استفاده از کدهای تولیدی قیاسیِ برگرفته از تئوری و یافته‌های تحقیقی قبلی، عموماً کدها را به‌طور استقرائی تولید می‌کنند. این امر موجب می‌شود تا جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها به‌منظور در برگرفتن متن و نکات ظریف آن، به‌طور هم‌زمان و به شکلی منعطف، صورت گیرد (Drisko and Maschi 2016, 85-87). به‌بیان‌دیگر، در این روش، منبع کدها به‌جای آن‌که برگرفته از تئوری یا یافته‌های تحقیقیِ مرتبط باشد، خود داده‌ها هستند (Hsieh and Shannon 2005, 1286).

محققان در کدگذاری استقرائی، نخست با بیرون کشیدن مطالب متنی که به بهترین وجه معنای محتوای موجود در داده‌های اولیه را در برمی‌گیرد، یک تعریف کاربردی از یک مقوله را تدوین می‌کنند. در تحلیل محتوای کیفی، به‌جای تمرکز بر توسعهٔ مفهومی، «کدگذاری باز» موردتوجه است. محققان، مقوله‌های مرتبط را شناسایی و به‌صورت توصیفی برچسب‌گذاری می‌کنند. تحلیل محتوای کیفی، برخلاف «تئوری بنیادی» که به توسعهٔ مفاهیم و نظریه می‌پردازد، یک روش تحقیق توصیفی است که محصول آن، اغلب مقوله‌ها و مضامین توصیفی هستند. به‌این ترتیب، تحلیل محتوای کیفی با راهبردی استقرائی، به محوریت سؤالات منتخب پژوهشگر، عموماً به دنبال ارائهٔ مقولاتی دقیق و مشخص است که طی یک فرآیند تعاملی و چرخهٔ بازخورد، بازنگری و تصحیح می‌شود (Drisko and Maschi 2016, 104 & 6).

۲. پیشینهٔ پژوهش

درزمینهٔ مفهوم و رویکرد منظر شهری تاریخی، آثار متعددی در حوزه‌های مختلف علمی، شامل مقاله‌ها، کتاب‌های مرجع

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

و رساله‌های دکتری، به طبع رسیده‌اند که بر مفهوم بین‌رشته‌ای HUL دلالت داشته‌اند. در حوزهٔ مرور ادبیات، کتاب «منظر شهری تاریخی: مدیریت میراث در قرن شهری»[6]، اثری پیشگام است که مؤلفان آن، با پرداختن به تعاریف، اهداف، چالش‌ها و ابزارهای پیشنهادی توصیه‌نامهٔ ۲۰۱۱ یونسکو، به تشریح رویکرد HUL پرداخته‌اند (Bandarin and van Oers 2012). آثار دیگری که در آن‌ها ضمن مرور ادبیات به نوآوری‌ها، یافته‌ها و افق‌های پیش روی این رویکرد اشاره‌شده است، عبارت‌اند از: (van Oers and Haraguchi 2010؛ Bandarin and van Oers 2015؛ Sonkoly 2017؛ Esfanjary 2017؛ Angrisano et al. 2017).

رویکرد شش مرحله‌ای HUL، در متن نهایی توصیه‌نامه جای نگرفته است، بااین‌حال، به‌عنوان چهارچوبی نظری برای اجرا، در قالب یک راهنما توسط بخش آموزشی میراث جهانی توسعه یافته است (WHITRAP 2016). باندرین و ون‌اوئرز (2015) ویراستاران کتاب «هم پیوند کردن دوبارهٔ شهر»، به تشریح و تبیین رویکرد شش مرحله‌ای HUL و ابزارهای چهارگانهٔ آن پرداخته‌اند. تجارب حاصل از اجرای رویکرد منظر شهری تاریخی در شهرهای میراث جهانی، طی یک دههٔ اخیر، در اثری با نام «تغییر شکل حفاظت شهری: رویکرد منظر شهری تاریخی در عمل» که شامل گزارش‌هایی از ۲۸ شهر جهان است، موردبررسی قرارگرفته‌اند (Pereira Roders and Bandarin 2019). در این زمینه، در دانشگاه‌های ایران نیز چندین رسالهٔ دکتری دربارهٔ تبیین چهارچوبی برای حفاظت از منظر شهری تاریخی به تألیف رسیده‌اند (Eshrati 2012; Kiani Dehkiani 2015).

۳. توصیه‌نامهٔ منظر شهری تاریخی

«توصیه‌نامه ۲۰۱۱ یونسکو درباره منظر شهری تاریخی» (پس‌ازاین با عنوان «توصیه‌نامه» مورداشاره قرار می‌گیرد) از کشورهای عضو می‌خواهد تا حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی واقع در شهرها و سکونتگاه‌ها را با سیاست‌ها و شیوه‌هایی برای توسعهٔ شهری پایدار، ادغام کنند. این توصیه‌نامه به‌عنوان ابزار تبیین‌کنندهٔ معیار (Standard-setting Instrument) جدید، پذیرای قدرت میراث فرهنگی است تا شهرها و سکونتگاه‌ها را ازنظر فرهنگی، زنده، ازنظر اقتصادی، پررونق، ازنظر اجتماعی، فراگیر و ازنظر زیست‌محیطی، پایدار سازد. به دنبال این سند، بسیاری از برنامه‌های برجستهٔ بین‌المللی، مانند برنامهٔ ۲۰۳۰ سازمان ملل (UN 2030 Agenda)، چهارچوب پیمان‌نامه سازمان ملل در تغییرات اقلیمی (UNFCC) و برنامهٔ شهری جدید زیست‌کرهٔ سازمان ملل (UN-Habitat New Urban Agenda) در دستور کار قرار گرفتند (UNESCO 2019, 5).

در «پیشگفتار» و «مقدمهٔ» توصیه‌نامه، ضمن اشاره به فشارها و چالش‌های توسعه‌ای که امروزه شهرها براثر جابجایی‌های جمعیتی، تجارت آزاد جهانی، تغییرات اقلیمی و توریسم با آن مواجه هستند، آن را عامل دگرگونی نواحی شهری و تهدیدی برای میراث شهری قلمداد می‌کند. از طرفی با تأکیدِ اصلِ توسعهٔ پایدار به حفظ منابع موجود، میراث شهری نیز به‌عنوان یک منبع، نیازمند مدیریت پایدار است. ازاین‌رو، توصیه‌نامه با پیشنهاد رویکردی مبتنی بر منظر، با تأکید بر توسعهٔ پایدار و ارتقای کیفی محیط، تعریف مجددِ نقش میراث شهری در جامعه و ادغام راهبردهای مدیریت، حفاظت و برنامه‌ریزی نواحی شهری تاریخی را در فرایندهای تصمیم‌سازی و توسعهٔ محلی مدنظر دارد.

بخش نخست توصیه‌نامه، «تعاریف»، به تعریف مفهوم و رویکرد HUL می‌پردازد. واژهٔ «منظر شهری تاریخی»، هم بر یک «مفهوم» و هم بر یک «رویکرد» دلالت دارد. بخش دوم توصیه‌نامه، «چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی HUL»، ضمن اشاره به فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منبعث از فشارهای جدید «شهرنشینی و جهانی‌شدن»، «توسعه» و «محیط‌زیست» در ارتقای کیفیت زندگی جوامع، دربارهٔ پیامدهای ناشی از عدم مدیریت تغییرات که به تقلیل حس مکان و یکپارچگی بافت و تخریب سرمایه‌های فرهنگی می‌انجامد، هشدار می‌دهد.

بخش سوم توصیه‌نامه، «سیاست‌ها» و بخش چهارم آن، «ابزارهای» مرتبط با رویکرد HUL را تبیین می‌کنند. سیاست‌های ارائه‌شده در توصیه‌نامه، به محوریت ادغام حفاظت از میراث شهری در برنامه‌ریزی و شیوه‌های

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

سیاست‌گذاری کلان سرزمینی، به نقشِ ذی‌نفعان در سطوح محلی، ملّی و فراملّی می‌پردازد. با توجه به آن‌که رویکرد HUL به کاربرد طیفی از ابزارهای مرسوم تا نوآورانه دلالت دارد، در بخش چهارم از توصیه‌نامه به چهار دسته از چنین ابزارهایی که به‌عنوان بخشی از فرایند درگیر با ذی‌نفعان مختلف، نیاز به توسعه دارند، اشاره می‌کند: «ابزارهای مشارکت مدنی»، «ابزارهای دانش و برنامه‌ریزی»، «دستگاه‌های نظارتی» و «ابزارهای مالی». در بخش پنجم به «ظرفیت‌سازی» برای حضور ذی‌نفعان اصلی، جهت درک و اجرای رویکرد HUL و نیز اهمیت بررسی‌های «ریخت‌شناسانه» در فهم و درک توسعهٔ تاریخی و لایه‌های گوناگون تغییر و تطور شهر با استفاده از «فنّاوری اطلاعات» تأکید شده است و در نهایت، بخش ششم توصیه‌نامه، به بهره‌مندی کشورهای عضو سازمان ملل از «همکاری بین‌المللی» نهادها برای اجرای رویکرد HUL می‌پردازد (UNESCO, 2011).

٤-١. مفهوم HUL

مفهوم امروزی حفاظت میراث شهری، از یک بنای منفرد، یادمان یا مجموعه‌ای از بناها که درگذشته موضوع حفاظت شهری بودند، فراتر می‌رود. چنان‌که HUL به حفاظت از سرزندگی کلیت محیط جامعهٔ شهری ـ مرکز، بستر و سرزمین آن ـ می‌پردازد (O'Donnell 2015a, 167). «منظر شهری تاریخی» به‌خودی‌خود، لزوماً مفهومی جدید نیست. در حوزهٔ میراث فرهنگی، واژهٔ «تاریخی» به کلمه‌ای توصیفی به معنای واجدِ کیفیاتِ «میراث» تبدیل می‌شود. «منظر شهری» به‌واسطهٔ مفهوم «منظر» با اشاره به پویایی‌های شهری، به‌عنوان سرزمینی انسان‌ساخت دیده‌شده است که با فرایندهایی در حال تداوم به تصویر کشیده شده و مدیریت آن نیازمند درک دلایل پویایی‌های توسعه است. ازاین‌رو، «منظر شهری تاریخی» را می‌توان به‌عنوان شناخت کیفیت‌هایی مشخص در سرزمین‌ها یا محوطه‌هایی شهری که تاریخی قلمداد شده‌اند، مدنظر قرارداد، جائی که تغییر می‌تواند از حالت ایستا تا پویا در سیر باشد (Jokilehto 2007, 31-33).

«منظر شهری تاریخی، ناحیه‌ای شهری است که به‌عنوان محصول لایه‌بندی تاریخی ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی درک می‌شود و از ذهنیت «مرکز تاریخی» یا «مجموعه» فراتر می‌رود تا زمینهٔ شهری گسترده‌تر و بستر جغرافیایی آن را در برگیرد» (UNESCO 2011, Art.8). اگرچه تعریفِ بیان شده در توصیه‌نامه، توصیفی کارآمد از HUL را ارائه می‌دهد، بااین‌حال، نیاز به درک فحوای کلام آن است؛ اینکه «لایه‌بندی ارزش‌ها» به چه معنا است؟

در تعریف HUL، واژهٔ «لایه‌بندی» به مفهوم «منظر» اشاره دارد. «منظر» برای بیان سیر تحول بستر از «استعاره‌ای زمین‌شناسانه» الهام گرفته است، به‌این معنی که شهرها و سرزمین‌ها از «لایه‌هایی» تشکیل می‌شوند که درگذر زمان توسعه‌یافته‌اند و توسعه می‌یابند (Bontje and Musterd 2008, 249). لایه‌بندی، علاوه بر در برگرفتن ابعاد زمانی (گذشته تا امروز) و مکانی (جغرافیای طبیعی و فرهنگی) یک پدیده، به مفاهیم «استمرار» و «تغییر» نیز اشاره دارد. درنتیجه، منظر شهری تاریخی، محصول یک فرایند است، محصولی که همواره دستخوش تغییر است.

«ارزش» را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از مشخصات یا کیفیت‌هایِ مثبتِ قابل‌درک در اشیاء یا اماکن فرهنگی، تعریف کرد. ارزش‌ها به‌مرورزمان تغییر می‌کنند و توسط عوامل زمینه‌ای شکل می‌گیرند (Mason 2002, 5). انتساب نسبی و اجتماعی کیفیت‌ها به اشیاء است که موجب می‌شود آن‌ها واجد ارزش‌هایی شوند. ارزش‌ها مقوله‌هایی اجتماعی هستند، نتایج تفکر بشر که در زمینه‌ای فرهنگی تعریف‌شده‌اند. آن‌ها به‌واسطهٔ جریان‌هایی برخاسته از فرهنگ‌های جوامع، در معرض فرایند پیوسته‌ای از ساخت و بازساخت (بازتولید اجتماعی)[٧] قرار دارند (Zancheti and Jokilehto 1997, 40).

به‌این ترتیب، «لایه‌بندی تاریخی ارزش‌ها» به فرایند بازتولید ارزش‌ها درگذر زمان و در ظرف مکان دلالت دارد، فرایندی که «منظر شهری تاریخی» محصول آن است. محصولی از جنس «سکونتگاه» که اجزاء ترکیبی «این زمینهٔ گسترده‌تر مشخصاً شامل توپوگرافی، ژئومورفولوژی،

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

هیدرولوژی و عوارض طبیعی سایت، محیط انسان‌ساخت آن اعم از تاریخی و معاصر، زیرساخت‌های رو و زیر سطح زمین، فضاهای باز و باغ‌ها، الگوهای کاربری زمین و سازمان فضایی آن، ادراکات و روابط بصری آن، به‌علاوهٔ تمامیِ دیگر عناصر ساختار شهری است. آن، همچنین شامل عرف‌ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، فرایندهای اقتصادی و ابعاد ناملموس میراث در ارتباط با تنوع و هویت است» (UNESCO 2011, Art.9).

مفهوم «لایه‌بندی تاریخی ارزش‌ها» در توصیه‌نامه، به ماهیت «میراث شهری» نیز اشاره دارد: «میراث شهری برای بشریت یک «سرمایهٔ» اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که با لایه‌بندی تاریخی ارزش‌ها تعریف می‌شود. ارزش‌هایی که توسط فرهنگ‌های موروثی و موجود و با انباشت سنت‌ها و تجارب تولیدشده‌اند» (ibid, Preamble). «میراث»، محصول فرایند انتخاب است (Silverman and Ruggles 2007, 34)، ازاین‌رو، «میراث شهری» را می‌توان محصول فرایند انتخاب جامعه بر مبنای ارزش‌های بازتولید شده در بُعد زمان و مکان دانست. این محصول با در برگرفتن بخشی از اجزای ملموس و ناملموس منظر شهری تاریخی، به‌عنوان یک «منبع» موجود، موضوع مدیریت در توسعهٔ پایدار قرار گرفت. «میراث شهری، شامل بر اجزای ملموس و ناملموس آن، یک «منبعِ» کلیدی در ارتقای زیست‌پذیری نواحی شهری است و توسعهٔ اقتصادی و انسجام اجتماعی را در یک محیط جهانیِ در حال تغییر، تقویت می‌کند» (UNESCO 2011, Art.3).

«منظر شهری تاریخی» یک طرز فکر است، درکی از شهر به‌عنوان محصول فرایندهای طبیعی، فرهنگی و اجتماعی ـ اقتصادی که آن‌ها را به شکل مکانی، زمانی و تجربی می‌سازد. به همان اندازه که HUL دربارهٔ بناها و فضاها است، همچنین دربارهٔ آیین‌ها و ارزش‌هایی است که مردم وارد شهر می‌کنند. این مفهوم، دربرگیرندهٔ لایه‌های منزلت نمادین، میراث ناملموس، ادراک ارزش‌ها و روابط متقابل مابین عناصر ترکیبی منظر شهری تاریخی است. سودمندی آن، در این ایده است که آن، حاوی ظرفیتی برای تغییر است (van Oers 2010, 14).

به‌این ترتیب، مفهوم HUL با اشاره به لایه‌های ملموس و ناملموس ارزش‌های شهری، تعامل آن‌ها با یکدیگر و محیط پیرامون و فرایند تحول یافتن آن‌ها درگذر زمان، به ارائهٔ یک «روش‌شناسی» برای شناخت، ارزیابی، تحلیل و تبیین منزلت منابع میراث شهری می‌پردازد.

٤-٢. رویکرد HUL

رویکردهای شکل‌گرفته در حفاظت شهری، مشخصاً از قرن بیستم، همواره در جستجوی پیوند دادن محدوده‌های میراثی با شهر مدرن، نواحی شهری تاریخی با محیط پیرامونی‌شان و سنت‌های دیرینهٔ فرهنگی با روندهای اقتصادی ـ اجتماعی معاصر بوده‌اند؛ دیدگاهی که به تحولات مهمی در نظریه (Theory) و شیوهٔ (Practice) مدیریت شهری منجر شد.

در مقدمهٔ توصیه‌نامه، با اشاره به تغییر پارادایم در نظریهٔ حفاظت شهری، بر همراهی این روند تحولات با «محرکی» برای تطبیق سیاست‌های موجود و ایجاد ابزارهایی جدید برای پرداختن به این «چشم‌انداز»، تأکید شده است و همچنین محتوای مقدمهٔ توصیه‌نامه، نیاز به ادغام و تنظیم بهتر راهبردهای حفاظت از میراث شهری را در اهداف کلان‌تر توسعهٔ پایدار فراگیر مطرح می‌کند تا از اقدامات عمومی و خصوصی با هدف محافظت و ارتقای کیفیت محیط انسانی حمایت کند. توصیه‌نامه، برای شناسایی، حفاظت و مدیریت نواحی تاریخی در حیطهٔ زمینه‌های شهری گسترده‌ترشان، با توجه به روابط متقابل فرم‌های فیزیکی‌شان، سازمان و پیوستگی فضایی‌شان، عوارض و محیط طبیعی‌شان و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی‌شان، «رویکردی مبتنی بر منظر» را پیشنهاد می‌دهد (UNESCO 2011, Atrs. 4, 5).

این رویکرد، به دلیل سه جنبهٔ شاخص خود قابل‌تعمیم در حوزهٔ حفاظت از میراث است: نخست اینکه، کل‌نگر (Holistic) است، به این معنی که وجوه مختلف منظر، به محیط طبیعی و انسان‌ساخت و ساختار اجتماعی آن می‌پردازد. دوم اینکه، به معنای مقوله‌ای بین‌رشته‌ای، یکپارچه کننده است. منظر، عرصه‌ای است که دیدگاه‌های رشته‌های

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

مختلف مرتبط با شهر را با توجه به رویکردهای علوم طبیعی و انسانی و نیز ابعاد فیزیکی و ناملموس میراث، ادغام می‌کند. سوم اینکه، مبتنی بر ارزش است. به این معنا که منظر بر تعامل و مشارکت با جوامع تأکید دارد تا با درک ارزش‌ها و منزلت فرهنگی، بتواند از گفتمانی بین فرهنگی میان ذی‌نفعان مختلف، در باب تصمیماتی دربارهٔ برخورداری دارایی خاص از منافع حفاظت، حمایت کند (Ginzarly et al. 2019, 1000).

هدف توصیه‌نامه از اخذ رویکردی مبتنی بر منظر، در عین شکوفایی شهرها، مدیریت «استمرار» (Continuity) و «تغییر» (Change) شهری به‌منظور ابقای ارزش‌های میراثی است (O'Donnell 2015a, 179). «استمرار» به تحولاتی جزئی در ساختارهای موجود شهری جهت انطباق با فعالیت‌ها و سبک‌های جدیدِ زندگی شهری اشاره دارد؛ و در مقابل، از «تغییر» به‌عنوان فرایند اصلاح بنیادی ساختارهای شهری به‌منظور برآورده کردن همان الزامات اجتماعی، تعبیر شده است. استمرار و تغییر، بی‌شک فرایندهایی هستند که بنیان هر فرهنگ یا جامعهٔ شهری را شکل می‌دهند (Zancheti & Jokilehto 1997, 39).

«رویکرد منظر شهری تاریخی با بالا بردن کاربری پربار و پایدار فضاهای شهری، ضمن شناخت سرشت پویای آن‌ها و با تقویت تنوع اجتماعی و عملکردی آن‌ها، محافظت از کیفیت محیط انسانی را مورد هدف قرار داده است. این رویکرد، اهداف حفاظت میراث شهری را با اهداف توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی ادغام می‌کند. این امر، ریشه در رابطه‌ای متعادل و پایدار بین محیط شهری و طبیعی، بین نیازهای نسل‌های حاضر و آینده و میراث برجای‌مانده از گذشته دارد» (UNESCO 2011, Atr. 11).

در این تعریف، واژهٔ «محیط انسانی»، محیط طبیعی و فیزیکی و ارتباط مردم با آن محیط را در برمی‌گیرد و محافظت از کیفیت محیط انسانی به مقولهٔ «ارزیابی اثرات محیطی» (EIA) اشاره دارد. واژهٔ «ارزیابی اثرات» (IA) به معنی «فرایند شناسایی پیامدهای آتی یک اقدام جاری یا پیشنهادی» است (Becker and Vanclay 2003, 141). با توجه به تعریف پرمخاطبِ «مان» (R.E. Munn)، «ارزیابی اثرات محیطی»، عبارت است از: «فرایندی برای شناسایی عواقب احتمالی ناشی از اجرای فعالیت‌هایی خاص بر محیط بیوژئوفیزیکی و سلامت و رفاه انسان و انتقال این اطلاعات به افرادی که مسئول تصویب پیشنهادها هستند، در مرحله‌ای که می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر تصمیم آن‌ها تأثیرگذار باشد» (Glasson et al. 1999, 3). در این فرایند «میراث شهری» به‌منزلهٔ منبعی برای محیط انسانی، توسط ابزار «ارزیابی اثرات میراثی» (HIA) مورد تحلیل قرار می‌گیرد (ICOMOS 2011).

به‌این ترتیب، رویکرد HUL بر گستره‌ای سرزمینی دلالت دارد که به‌منظور تضمین استمرار کیفیت‌های شناخته‌شدهٔ محیط انسانی، هرگونه تغییری را که آن‌ها را تهدید می‌کند، مورد پایش و کنترل قرار می‌دهد. در این رویکرد، ادغام اهداف حفاظت و توسعه، به مفهوم «مدیریت تغییر» اشاره دارد. در حوزهٔ حفاظت از میراث فرهنگی، فرایند «مدیریت تغییر»، به تطبیق دادن بسیاری از اهداف کوتاه‌مدت توسعهٔ تسهیلات، با منافع نسل‌های آینده در حفظ منزلت فرهنگی میراث اشاره دارد. هرچند که در این فرایند ممکن است نسلِ حاضر، حائز اهمیت تلقی شوند (Pereira Roders & Hudson 2011, 175).

از طرفی، «رویکرد HUL، با مطرح کردن تنوع فرهنگی و خلاقیت به‌عنوان سرمایه‌های کلیدی برای توسعهٔ انسانی، اجتماعی و اقتصادی، ابزارهایی را برای مدیریت تغییرات فیزیکی و اجتماعی فراهم می‌کند و جهت حصول اطمینان از این‌که مداخلات معاصر در بستری تاریخی در هماهنگی با میراث ادغام‌شده‌اند، زمینه‌های منطقه‌ای را در نظر می‌گیرد» (UNESCO 2011, Atr. 12). به‌این ترتیب در رویکرد منظر شهری تاریخی، ناحیهٔ تاریخی شهر، به‌جای آن‌که بخشی «حاشیه‌ای» از مجموعهٔ شهری باشد، به یک مدل، یک «منبع» برای پاسخگویی به نیازهای جدید، تعریف الگوهای اجتماعی و فیزیکی خلاق و بها دادن به آنچه قرن‌ها تجربه‌ورزی در طراحی فضاها و فرم شهری به ما اعطا کرده، بدل شد (Bandarin 2015, 2)، مدل‌هایی که ارائهٔ راهبردهای مدیریتی و ایجاد ابزارهایی برای مدیریت تغییر و ارزیابی

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

اثرات میراثی را میسر می‌کنند.

٤-٢-١. سیاست‌های رویکرد HUL

«سیاست‌های مدرن حفاظت شهری، همان‌گونه که در توصیه‌نامه‌ها و منشورهای بین‌المللیِ موجود انعکاس یافته، زمینه‌ای را برای محافظت از نواحی شهری تاریخی فراهم کرده است. بااین‌حال، چالش‌های فعلی و آتی، نیاز به تعریف و اجرای نسل جدیدی از سیاست‌های عمومی دارد تا لایه‌بندی تاریخی و توازن ارزش‌های فرهنگی و طبیعی در محیط‌های شهری شناسایی و صیانت شوند» (UNESCO 2011, Atr. 21).

ازاین‌رو، سیاست‌های اخذشده از سوی رویکرد HUL با پرداختن به مسئولیت‌های ذی‌نفعان مختلف در سه سطح محلی، ملّی و فراملّی، سه مقولهٔ اصلی را شامل می‌شوند: «(۱) حفاظت از میراث شهری باید در برنامه‌ریزی و شیوه‌های سیاست کلان و آنچه مرتبط با زمینهٔ شهری گسترده‌تر است، ادغام شود. (۲) سیاست‌ها باید مکانیسم‌هایی را برای متعادل کردن حفاظت و پایداری در کوتاه‌مدت و بلندمدت فراهم کنند. (۳) باید تأکید ویژه‌ای بر ادغام موزون مداخلات معاصر در بافت شهری تاریخی شود» (ibid, Art.22).

این سه سیاست، بر مبنای حوزهٔ تمرکز، رویکرد و آنچه دربرمی‌گیرند، به سه نوع مختلفِ کاربرد «رویکرد منظر» اشاره دارند (Freeman et al. 2015, 24-26). اصل نخست، با اشاره به مدیریت یکپارچهٔ منابع میراث شهری بر یک «رویکرد منظر بخشی»[۸] (Sectoral landscape approach) تأکید دارد. این روش با استفاده از رویکردهای بینا بخشی در مدیریت منابع جهت دستیابی به اهداف بخشی از فرایندهای مشارکتی/چند ذی‌نفعی یکپارچه، بهره می‌برد. اصل دوم، با اشاره به فرایندهای کنترلی مبتنی بر مدیریت تغییر به یک «رویکرد منظر یکپارچه» (Integrated landscape approach (ILA)) دلالت دارد که از فرایندهای مشارکتی تعاملی شفاف برای تبیین منطق تغییر و یا روشن کردن اهداف استفاده می‌کند. اصل سوم، با تأکید بر مداخلات منطبق بر زمینه، درک الگوها و فرایندها را در مقیاس منظر، هدف قرار می‌دهد و از منظر به‌عنوان مقیاس تحقیق استفاده می‌کند (Using the landscape مقیاس).

سیاست دوم با کاربرد «رویکرد منظر یکپارچه (ILA)»، گویای هدف اصلی توصیه‌نامه است، چراکه «مدیریت تغییر» در نواحی شهری تاریخی، به‌منزلهٔ فرصتی برای ارتقای کیفیت محیطی است (ICOMOS 2011, Art.2). گاهی اوقات «رویکرد منظر بخشی» به دلیل محدودیت‌هایی در ظرفیت، ممکن است واقع‌بینانه‌ترین انتخاب شده باشد، اما ILA دارای پتانسیل بیشتری برای پرداختن به اهداف چندگانه و چالش‌های پیچیده است (Freeman et al. 2015, 33).

٤-٢-٢. ابزارهای رویکرد HUL

با گسترش قلمرو تحت نظارت، تعدادِ ذی‌نفعان درگیر و نوع مشخصه‌هایی که حاوی معنا و ارزش هستند، وظیفهٔ متخصصان شهری و مدیران محوطه‌ها بغرنج‌تر می‌شود. این افزایش در پیچیدگی باید با در پیش گرفتن مشارکت‌های جدید، هماهنگی سازمانی بهتر و منابع فنی و مالی دسترس‌پذیرتر، متعادل شود. مدیریت موفق میراث شهری در محیط‌های پیچیده که رویکرد منظر شهری تاریخی برای آن‌ها توسعه‌یافته است، نیاز به جعبه‌ابزاری قدرتمند دارد. این مجموعه، باید حاوی طیف وسیعی از ابزارهای میان‌رشته‌ای و مبتکرانه باشد (Bandarin and van Oers 2012, 143-4). «رویکرد HUL، به کاربرد طیف وسیعی از ابزارهای مرسوم و نوآورانهٔ متناسب با زمینه‌های محلی اشاره می‌کند. برخی از این ابزارها که باید به‌عنوان بخشی از فرایند تعامل با ذی‌نفعان مختلف توسعه یابند، شامل چهار گروه زیر هستند» (UNESCO 2011, 24):

- **ابزارهای مشارکت مدنی**

«ابزارهای مشارکت مدنی، باید مقاطع متنوعی از ذی‌نفعان را در برگیرند و آن‌ها را برای شناسایی ارزش‌های کلیدی موجود در نواحی شهری خود، توانمند سازند؛ چشم‌اندازهایی را که منعکس‌کنندهٔ تنوع آن‌ها است، توسعه بخشند؛ اهداف را تعیین کنند؛ و در اقدامات مربوط به

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

صیانت از میراث آن‌ها و ترویج توسعه پایدار به توافق دست یابند؛ این ابزارها که بخشی جدایی‌ناپذیر از پویایی حکمروایی شهری هستند، باید گفتمان بین فرهنگی را با آموختن از جوامع در باب تاریخ، رسوم، ارزش‌ها، نیازها و انتظاراتشان و با آسان‌سازیِ میانجیگری و مذاکره بین گروه‌هایی با تضاد منافع، تسهیل کنند» ((ibid, 24(a)).

ابزارهای مشارکت مبتنی بر جامعه، ابزارهای متنوعی را در برمی‌گیرند که اطلاع‌رسانی می‌کنند، بسیج می‌کنند و درگیر می‌شوند. آن‌ها دانش و مهارت‌ها را از جوامع محلی و سایر گروه‌های حاضر در جامعه استخراج می‌کنند. این ابزارها می‌توانند کارکردی مشاوره‌ای ایفا کنند، مانند انواع مختلف طرح‌ها، نگاشت منظر، مستندسازی ویژگی‌ها و فرایندهای معرف شخصیت، نگاشت شناختی، ادراک جغرافیای مردم‌شناسی و فرهنگی، مستندسازی افراد محلی از آداب‌ورسوم شفاهی، همچنین بهره‌مندی از نقشه‌برداری و تحلیل ذی‌نفعان (SAM) و راهبردهای توسعهٔ شهر (CDS) (Bandarin and van Oers 2012, 155).

تحقیقات نشان می‌دهند که مشارکت به‌واسطهٔ انگیزه، فرصت‌ها و توانایی‌ها حاصل می‌شود، آن‌ها عوامل اصلی مشارکت مدنی موفق هستند. توانایی، سطح آگاهی و دانش مردم نسبت به مسئلهٔ مورد مشارکت است. ازاین‌رو، ظرفیت‌سازی برای ذی‌نفعان، رویکرد بین نسلی نسبت به فرهنگ، نقشه‌برداری از ذی‌نفعان و شیوه‌های فرهنگی و طراحی مبتنی بر جامعه، همه ابزارهایی هستند که مشارکت مدنی را ارتقاء می‌بخشند. با تضمین شفافیت و مذاکره در ایجاد چشم‌اندازی مشترک، «اصول راهنما» باید دربرگیرندهٔ همهٔ اقشار جامعه در فرایندهای تصمیم‌گیری باشد (Erkan 2019, 193-4).

• ابزارهای دانش و برنامه‌ریزی

«ابزارهای دانش و برنامه‌ریزی، باید به محافظت از یکپارچگی و اصالت ویژگی‌های میراث شهری یاری رساند. همچنین باید شناخت منزلت و تنوع فرهنگی را میسر سازد و پایش و مدیریت تغییر را به‌منظور ارتقای کیفیت زندگی و فضای شهری فراهم آورد. این ابزارها ممکن است مستندسازی و نقشه‌برداری از مشخصه‌های فرهنگی و طبیعی را در برگیرد. ارزیابی اثرات میراثی، اجتماعی و زیست‌محیطی، باید برای حمایت و تسهیل فرایندهای تصمیم‌گیری در چهارچوب توسعهٔ پایدار مورداستفاده قرار گیرند» (UNESCO 2011, 24(b)).

ابزارهای مورداشاره در این گروه، اغلب، به مجموعه ابزارهای مورداستفاده در فرایند «ارزیابی اثرات» (IA) تعلق دارند. ارزیابی اثرات، داده‌ای اصلی در تصمیمات توسعه به شمار می‌آید. آن، فرایندی مشارکتی است، ازاین‌رو، بخشی از ابزارهای گروه مشارکت مدنی را نیز در برمی‌گیرد. فرایند «ارزیابی اثرات محیطی» در بخش میراث فرهنگی، منحصراً بر تعیین اینکه آیا اثری منفی بر اصالت و یکپارچگی ساختارهای فیزیکی و محوطه‌هایشان واردشده یا نه، متمرکز است. ازاین‌رو، نتایج ضعیفی را در اثرات وارده بر جنبه‌های معرف ارزش برجستهٔ جهانی به همراه داشته است. «ارزیابی اثرات میراثی» (HIA) با پرداختن به منزلت فرهنگی مکان و جنبه‌های ملموس و ناملموس میراث، ابزاری کارآمدتر در این زمینه تلقی می‌شود (Bandarin and van Oers 2012, 159-167).

• دستگاه‌های نظارتی

«دستگاه‌های نظارتی، باید منعکس‌کنندهٔ شرایط محلی باشند و می‌توانند دربرگیرندهٔ اقداماتی قانونی و نظارتی، باهدفِ حفاظت و مدیریت ویژگی‌های ملموس و ناملموس میراث شهری، شامل ارزش‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی آن‌ها باشند. دستگاه‌های سنتی و مرسوم در صورت لزوم باید به رسمیت شناخته شوند و تقویت شوند» (UNESCO 2011, 24(c)).

دستگاه‌های نظارتی گروهی از ابزارها را دربرمی‌گیرند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سکونتگاه‌های انسانی را شکل می‌دهند. قوانین و سنت‌های فرهنگی، دستگاه‌هایی نظارتی هستند که به شکل، محتوا، کاربردها و تغییراتی در منظر شهری تاریخی جوامع جهان می‌پردازند. رهنمودها و دستورالعمل‌های این دستگاه‌های کنترل‌گر، بر پیامدهایی ملموس و ناملموس در سکونتگاه‌های زنده انسانی از هر نوع

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

و اندازه‌ای، تأثیر می‌گذارند. قوانین موجود در سطح محلی، منطقه‌ای و ملّی و معاهدات بین‌المللی، با اشاره به مقیاس کلان‌تر شهر یا سکونتگاه، در مقیاسی خُرد می‌توانند یک دارائی شخصی را دربرگیرند. امروزه طرح‌های نظارتی عموماً به مباحثی مانند ساخت‌وساز سبز، پاسخ به تغییرات اقلیمی و شخصیت منظر شهری می‌پردازند. با روشن ساختن اهدافی برای میراث شهری جهت سوق دادن حفاظت شهری در ماتریس نیازهای سرزندگی شهری، بر میزان موفقیت رویکرد HUL افزوده می‌شود (O'Donnell 2015b, 269-278). این امر می‌تواند بخشی از چهارچوب نظارتی با عنوان «پلان مدیریت» باشد که تحت مدیریت میراث شهری قرار دارد و موردتوافق همهٔ ذی‌نفعان اصلی است و به تصویب دولت می‌رسد.

- **ابزارهای مالی**

«ابزارهای مالی، باید به سمت ایجاد ظرفیت‌ها و حمایت از توسعه نوآورانهٔ درآمدزایی که ریشه در سنت دارد، هدف‌گذاری شوند. علاوه بر کمک‌های مالی دولتی و جهانی از طرف سازمان‌های بین‌المللی، ابزارهای مالی باید به‌طور مؤثر برای تقویت سرمایه‌گذاری خصوصی در سطح محلی به کار گرفته شوند. اعتبارات خُرد و سایر منابع مالی با قابلیت انعطاف برای حمایت از بنگاه‌های محلی، به‌علاوهٔ مدل‌های متنوعی از مشارکت، در پایدار ساختن رویکرد منظر شهری تاریخی ازنظر مالی، از اهمیت اساسی برخوردار هستند» (UNESCO 2011, 24(d)).

ابزارهای مالی میراث، عبارت‌اند از سازوکارها و برنامه‌هایی که برای تشویق و تسهیل سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های میراثی مورداستفاده هستند. منطق ایجاد ابزارهای مالی برای میراث، بر این امر استوار است که: به دلایل متعدد، هزینهٔ مرمت و نگهداری از ابنیه میراثی ممکن است از ارزش اقتصادی انجام این کار فراتر رود. بااین‌حال، ارزش‌های دیگری (اجتماعی، فرهنگی، علمی، زیست‌محیطی و ...) در میراث وجود دارند که مالک، تنها بخش ناچیزی از آن را دریافت می‌کند؛ بنابراین ممکن است ابزارهایی مالی برای بستن شکاف بین هزینه و ارزش لازم باشند تا وجود ارزش‌های دریافت شده توسط جامعهٔ بزرگ‌تر را به رسمیت بشناسند (Rypkema 2015, 284). ابزارهای مالی با کاهش هزینه، افزایش درآمد، کاهش خطرپذیری و افزایش سطح اشتغال، به بستن شکاف یاری می‌کند. استفاده از انواع مدل‌های مشارکتی ریشه‌دار در فرهنگ محلی، فراتر از مدل‌های دولتی ـ عمومی و دولتی ـ خصوصی، موجب حصول اطمینان از پایداری مدل‌های مالی می‌شود (Erkan 2019, 195).

به‌این ترتیب، سیاست‌های رویکرد HUL با استفاده از ابزارهای چهارگانهٔ مشارکتی، دانشی، مالی و نظارتی، از طریق یک برنامهٔ اقدام (Action Plan) که ماهیتی چرخشی دارد، قابل حصول است (Erkan 2019, 190).

٤-٢-٣. اجرای رویکرد HUL

در سی و ششمین مجمع عمومی یونسکو، در نوامبر سال ۲۰۱۱ م.، خطاب به اعضاء برای تسهیل اجرای رویکرد منظر شهری تاریخی، حداقل شش مرحله یا گام مهم توصیه شد. این شش گام در متن سند نهایی قید نشد، اما به‌عنوان چهارچوبی نظری توسط بخش آموزش یونسکو توسعه یافت (WHITRAP 2016, 13):

۱- انجام بررسی‌های جامع و نقشه‌برداری از منابع طبیعی، فرهنگی و انسانی شهر؛

۲- دستیابی به اجماع نظر با استفاده از برنامه‌ریزی مشارکتی و مشاوره‌های ذی‌نفعان در باب آن‌که چه ارزش‌هایی به‌منظور انتقال به نسل‌های آینده باید تحت حفاظت قرار گیرند و تعیین خصوصیاتی که حامل این ارزش‌ها هستند؛

۳- ارزیابی آسیب‌پذیری این خصوصیات در برابر فشارهای اقتصادی ـ اجتماعی و تأثیرهای تغییرات اقلیمی؛

٤- یکی کردن ارزش‌های میراث شهری و وضعیت آسیب‌پذیری آن‌ها در چهارچوب گسترده‌تری از توسعهٔ شهری تا حدی که نشانگر میزان حساسیت میراثی نواحی باشند که در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای به توجهی ویژه نیاز دارند؛

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

۵- اولویت‌بندی اقدامات مربوط به حفاظت و توسعه؛ و
٦- ایجاد مشارکت‌های مناسب و چهارچوب‌های مدیریت محلی برای هر یک از پروژه‌های تعریف‌شده مربوط به حفاظت و توسعه، به‌علاوهٔ ایجاد مکانیسم‌هایی به‌منظور هماهنگ کردن فعالیت‌های مختلف مابین نقش‌آفرینان متفاوت، اعم از دولتی و خصوصی (UNESCO 2011, 50; Pereira Roders and Bandarin 2019, 40).

٤-۳. بحث و جمع‌بندی

توصیه‌نامه در مقدمهٔ سند، ضمن به رسمیت شناختن ماهیت پویای شهرهای زنده و با اشاره به دگرگونی نواحی شهری و بستر آن‌ها براثر توسعه‌ای سریع و غیرقابل‌کنترل، به تعریف مفهوم HUL می‌پردازد. این تعریف، با ارائهٔ مفهومی کل‌نگر، بین‌رشته‌ای و مبتنی بر ارزش از محیط تاریخی، زمینهٔ اتخاذ رویکردی جامع و یکپارچه را برای شناسایی، ارزیابی، حفاظت و مدیریت منظرهای شهری تاریخی در قالب چهارچوب «توسعهٔ پایدار فراگیر» فراهم می‌آورد (UNESCO 2011, Atr. 10). توصیه‌نامه، با اتخاذ «رویکرد منظر» به‌منزلهٔ رویکردی فرایندمحور، کل‌نگر، پویا و تعاملی، ضمن تبدیل «حفاظت» به راهبردی برای مدیریتِ محتاطانه، تأثیرات منفی ناشی از توسعهٔ اجتماعی ـ اقتصادی بر میراث شهری، یکپارچه کردن توسعهٔ شهری و مدیریت منابع میراثی را به‌منظور «استمرار» هویت شهری و کنترل فرایندهای «تغییر» مورد هدف قرار داده است (جدول ۱).

در دو دههٔ اخیر «رویکرد منظر» در حوزهٔ محیط‌زیست و توسعه، به پارادایمی محرک (Driving Paradigm) برای برقراری تعادلی کل‌نگرانه بین اهداف زیست‌محیطی و اجتماعی تبدیل‌شده است، بااین‌حال، علی‌رغم ادبیات غنی، ایده‌های مرتبط با فرایند اتخاذ رویکردی مبتنی بر منظر، متنوع و غالباً مبهم بوده‌اند (Freeman et al. 2015, 24). در این توصیه‌نامه نیز سیاست‌های در پیش‌گرفته شده به روش‌های مختلف اعمال «رویکرد منظر»، شامل «کاربرد مقیاس منظر»، «رویکرد منظر بخشی» و «رویکرد منظر یکپارچه» اشاره دارند. این سیاست‌ها در قالب رویکردی واحد تحت عنوان «رویکرد منظر» بیان‌شده‌اند، اما برای عملیاتی شدن، مستلزم اتخاذ فرایندهای متمایز مبتنی بر رویکرد منظر هستند. ازاین‌رو، به‌منظور تحقق اهداف و سیاست‌های رویکرد HUL، باید کاربرد ابزارهای چهارگانهٔ توصیه‌نامه با روش‌های مختلف اعمال رویکرد منظر، بازتعریف و متناسب شوند.

نتیجه‌گیری

منظر شهری تاریخی (HUL) رویکردی جامع و بین‌رشته‌ای است. این رویکرد، باهدف هدایت تغییر در شهرهای تاریخی، مدیریت فراگیر منابع میراثی در محیط‌های پویا و همواره در حال تغییر را موردتوجه قرار داده است. این امر، متکی بر شناخت و شناسایی لایه‌بندی و هم پیوندی ارزش‌های طبیعی و فرهنگی، ملموس و ناملموس، بین‌المللی و محلی موجود در هر شهری است. مطابق رویکرد منظر شهری تاریخی، این ارزش‌ها باید به‌منزلهٔ «نقطه حرکتی» در مدیریت و توسعهٔ کل‌نگرانه شهر مدنظر قرار گیرند. به‌این ترتیب، منظر شهری تاریخی، هم یک رویکرد و هم روشی جدید برای درک شهرهایمان است: به‌عنوان یک «رویکرد»، به‌واسطهٔ کاربرد طیفی از ابزارهای سنتی و نوآورانه در انطباق با زمینه‌های محلی، پایه‌ای را برای ادغام حفاظت شهری در چهارچوب توسعه پایدار فراگیر، فراهم می‌آورد. به‌عنوان یک «مفهوم»، منظر شهری تاریخی با کمک کردن به ما در شناسایی عناصر پیچیده‌ای که شهرهایمان را متمایز می‌سازد و حس مکان و هویتشان را خلق می‌کند، درک ما را از محیط تاریخی بیشتر می‌کند. درک شهرهایمان به این طریق، برای ما دانشی ارزنده را در جهت هدایت تصمیمات برنامه‌ریزی و مدیریت تغییر فراهم می‌آورد. این لایه‌ها حاوی ثروتی هستند که باید در راهبردهای حفاظت و توسعهٔ شهر به رسمیت شناخته شوند و تقویت شوند. رویکرد HUL را می‌توان

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

به‌منزلهٔ نسل جدیدی از برنامه‌ریزی شهری تلقی کرد که مهم‌ترین ویژگی آن، قابلیت تعمیم به مقیاس‌ها و گونه‌شناسی‌های مختلف شهری است و نیز از دیگر ویژگی‌های آن، نقش یکپارچه کننده‌ای است که میان شبکه‌های متنوع ذی‌نفعان ایفا می‌کند. بااین‌حال به‌منظور درک بهتر اینکه چگونه HUL در عمل شکل می‌گیرد و تعریف می‌شود، علاوه بر شناخت پیچیدگی لایه‌ها، به‌صرف توجه بیشتری بر رویکردهای مشارکتی و بین‌رشته‌ای/ بینا بخشی مرتبط با روش‌های مختلف به‌کارگیری رویکرد منظر، نیاز است.

جدول ۱: مفاد توصیه‌نامه ۲۰۱۱ یونسکو درباره مفهوم و رویکرد منظر شهری تاریخی.

Table 1: The Contents of UNESCO 2011 Recommendation on the HUL concept and approach.

توصیه‌نامه ۲۰۱۱ یونسکو درباره منظر شهری تاریخی	مفهوم HUL	**تعریف**		ناحیه‌ای شهری، محصول لایه‌بندی تاریخی ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی
		حوزه		فراتر از مرکز تاریخی دربرگیرندهٔ زمینه شهری گسترده‌تر و بستر جغرافیایی آن
		اجزاء		جنبه‌های ملموس و ناملموس میراث شهری (Tangible and Intangible Attributes)
	رویکرد HUL	**چهارچوب**		توسعهٔ پایدار فراگیر (Overall Sustainable Development)
		محرک		رویکرد مبتنی بر منظر (Landscape Approach)
		هدف		محافظت و ارتقای کیفیت محیط انسانی
		چالش‌ها و فرصت‌ها		ـ شهرنشینی و جهانی‌شدن (میراث شهری، منبعی برای ارتقای زیست‌محیطی نواحی شهری) ـ توسعه (میراث شهری به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی و اقتصادی) ـ محیط‌زیست (میراث فرهنگی و طبیعی به‌عنوان منابعی برای توسعهٔ پایدار)
		سیاست‌ها		ـ ادغام حفاظت از میراث شهری در برنامه‌های کلان توسعه شهری (Sectoral landscape approach) ـ اتخاذ مکانیسم‌هایی برای متعادل کردن حفاظت و پایداری (Integrated landscape approach) ـ ادغام موزون مداخلات معاصر در بافت شهری تاریخی (Using the landscape scale)
		ذی‌نفعان		ـ دول عضو سازمان ملل: ادغام راهبردهای حفاظت از میراث شهری در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه ملّی مطابق با رویکرد HUL ـ مقام‌های محلی: تهیهٔ برنامه‌های توسعه شهری با توجه به ارزش‌های نواحی ـ ذی‌نفعان دولتی و خصوصی: همکاری از طریق مشارکت‌هایی برای حصول اطمینان از کاربرد موفقیت‌آمیز رویکرد HUL ـ نهادهای بین‌المللی ناظر بر فرایندهای توسعهٔ پایدار: ادغام رویکرد HUL در راهبردها و برنامه‌ها ـ نهادهای ملّی و بین‌المللی غیردولتی: مشارکت در توسعه و ترویج ابزارها و برترین شیوه‌ها برای اجرای رویکرد HUL
		ابزارها	ابزارهای مشارکت مدنی (Civic Engagement Tools)	اعلان عمومی (Publicity)، گفتگو و مشورت (Dialogue and Consultation)، توانمندسازی جامعه (Community Empowerment)، نگاشت فرهنگی (Cultural Mapping)
			ابزارهای دانش و برنامه‌ریزی (Knowledge & Planning Tools)	برنامه‌ریزی (Planning)، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، داده‌های کلان (Big Data)، ریخت‌شناسی (Morphology)، ارزیابی اثرات/ خطرپذیری (Impact/ Vunerability Assessment)، ارزیابی سیاست (Policy Assessment)
			سیستم‌های نظارتی (Regulatory Systems)	قوانین و مقررات (Laws and Regulations)، عرف‌های سنتی (Traditional Customs)، سیاست‌ها و برنامه‌ها (Policies and Plans)
			ابزارهای مالی (Financial Tools)	علم اقتصاد (Economics)، کمک‌های مالی (Grants)، مشارکت دولتی ـ خصوصی (Public-private Cooperation)
		ظرفیت‌سازی		ـ حضور ذی‌نفعان اصلی جهت درک و اجرای رویکرد HUL ـ «پژوهش» درزمینهٔ لایه‌بندی پیچیده سکونتگاه‌های شهری ـ استفاده از «فنّاوری اطلاعات» به‌منظور مستندسازی، درک و بیان لایه‌بندی پیچیدهٔ نواحی شهری

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

پی‌نوشت‌ها

1. The Recommendation on the Historic Urban Landscape, adopted by the 36th session of the UNESCO, Paris, 2011.

2. The UNESCO Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage (WHC: The World Heritage Convention), Paris, 1972.

۳. منزلت فرهنگی (Cultural Significance) به معنای مجموعه‌ای از ارزش‌های منتسب به یک مکان است.

4. Vienna Memorandum on "World Heritage and Contemporary Architecture - Managing the Historic Urban Landscape" adopted by UNESCO in 12-14 May 2005 in Vienna.

5. Jerusalem (June 2006), Saint Petersburg, Russian Federation (January 2007), Olinda, Brazil (November 2007), Zanzibar, Tanzania (December 2009) and Rio de Janeiro, Brazil (December 2009), in addition to three planning meetings held at UNESCO Headquarters (September 2006, November 2008 and February 2010).

٦. ترجمه کتاب «منظر شهری تاریخی: مدیریت میراث در قرن شهری» در سال ۱۳۹۵ توسط مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران منتشرشده است.

۷. بازتولید اجتماعی (Social Reproduction) فرایندی است که به‌واسطهٔ آن‌یک جامعه/ نظام اجتماعی خود را از نسلی به نسل دیگر بازتولید می‌کند.

۸. بخش (Sector) به‌منزله قسمتی از جامعه تعریف می‌شود که در آن ذی‌نفعان مختلف، ارزش اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌کنند.

فهرست منابع

Angrisano, M., P. F. Biancamano, M. Bosone, P. Carone, et al. 2017. Towards operationalizing UNESCO recommendations on Historic Urban Landscape: A position paper. *Aestimum* (69): 165-210. https://doi.org/ 10.13128/Aestimum-20454

Australia ICOMOS. 1999. *The Burra Charter: The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*. 1979; rev. 1999. Burwood: Australia ICOMOS. Available from: https://australia.icomos.org/wp-content/ uploads/The-Burra-Charter-2013-Adopted-31.10.2013.pdf (accessed 10 October 2019).

Bandarin, F. 2015. Introduction: Urban Conservation and the End of Planning. In *Reconnecting the City*, eds. Francesco Bandarin, & Ron van Oers, 1-16. Chichester: Wiley Blackwell.

Bandarin, Francesco and Ron van Oers. 2012. *The Historic Urban Landscape: Managing Heritage in an Urban Century*. Chichester: Wiley Blackwell.

Bandarin, Francesco and Ron van Oers eds. 2015. *Reconnecting the City: The Historic Urban Landscape Approach and the Future of Urban Heritage.* Chichester: Wiley Blackwell.

Becker, Henk A. and Frank Vanclay eds. 2003. *The International Handbook of Social Impact Assessment: Conceptual and Methodological Advances*. Cheltenham: Edward Elgar.

Bontje, M. and S. Musterd. 2008. The Multi-layered City: The Value of Old Urban Profiles. *Tijdschrift voor economische en sociale geografie* 99(2): 248-255.

CoE. 1975. *European Charter of the Architectural Heritage*, Adopted by the Council of Europe, Amsterdam from 21 to 25 October 1975. Available from: https://www.icomos.org/en/charters-and-texts/179-articles-en-francais/ressources/charters-and-standards/170-european-charter-of-the-architectural-heritage (accessed 20 December 2019).

CoE. 1995. *Recommendation on the Integrated Conservation of Cultural Landscapes Areas as Part of Landscape Policies*, Adopted by the Council of Europe Committee of Ministers Recommendation No. R (95) 9 of 11 September 1995. Available from: https://rm.coe.int/16804f6e76 (accessed 10 October 2019).

Corner, James ed. 1999. *Recovering landscape: Essays in Contemporary Landscape Architecture*. New York: Princeton Architectural Press.

Drisko, James W. and Tina Maschi. 2016. *Content Analysis*. New York: Oxford University Press.

Erkan, Y. 2019. The Way Forward with the Historic Urban Landscape Approach towards Sustinable Urban Development. *The Implementation of the UNESCO Historic Urban Landscape Recommendation: Expert Meeting held in Shanghai, China, on 26-28 March 2018*, 184-201. Shanghai: WHITRAP.

Esfanjary, Eisa. 2017. *Persian Historic Urban Landscapes: Interpreting and Managing Maibud Over 6000 Years*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

Fairclough, Graham, Rodney Harrison, John H. Jameson, and John Schofield eds. 2008. *The Heritage Reader*. London; New York: Routledge.

Freeman, O. E., L. A. Duguma, and P. A. Minang. 2015. Operationalizing the integrated landscape approach in practice. *Ecology and Society* 20(1): 24-43.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

Ginzarly, M., C. Houbart and J. Teller. 2019. The Historic Urban Landscape approach to urban management: a systematic review. *International Journal of Heritage Studies*, 25(10): 999-1019.

Glasson, John, Riki Therivel and Andrew Chadwick. 1999. *Introduction to Environmental Impact Assessment: Principles and Procedures, Process, Practice and Prospects*. London & New York: Routledge.

Hsieh, H. F. and S. E. Shannon. 2005. Three Approaches to Qualitative Content Analysis. *Qualitative Health Research* 15(9): 1277-88.

ICOMOS. 1964. *International Charter for the Conservation and Restoration of Monument and Sites (The Venice Charter 1964)*, IInd International Congress of Architects and Technicians of Historic Monuments, Venice, 1964; Adopted by ICOMOS in 1965. https://www.icomos.org/charters/venice_e.pdf (accessed 10 May 2019).

ICOMOS. 1987. *Charter for the Conservation of Historic Towns and Urban Areas (Washington Charter 1987),* Adopted by ICOMOS General Assembly in Washington, DC, October 1987. https://www.icomos.org/charters /towns_e.pdf (accessed 10 October 2019).

ICOMOS. 1994. *The Nara Document on Authenticity (1994)*, Adopted by ICOMOS Symposia, Nara, Japan, 1-6 November 1994. Available from: https://www.icomos.org/charters/nara-e.pdf (accessed 10 October 2019).

ICOMOS. 2011. Guidance on Heritage Impact Assessments for Cultural World Heritage Properties. Paris: International Council on Monuments and Sites. Available from: https://www.icomos.org/world_heritage/ HIA_20110201.pdf (accessed 10 October 2019).

ICOMOS Brazil. 1987. *First Brazilian Seminar about the Preservation and Revitalization of Historic Centers (Carta de Petropolis)*, Adopted by the ICOMOS Brazilian Committee, Itaipava, July 1987. Available at: https://www.icomos.org/en/resources/charters-and-texts/179-articles-en-francais/ressources/charters-and-standards/194-first-brazilian-seminar-about-the-preservation-and-revitalization-of-historic-centers-itaipava (accessed 10 October 2019).

Jokilehto, Jukka. 2007. International Charters on Urban Conservation: Some Thoughts on the Principles Expressed in Current International Doctrine. *City & Time* 3(3): 23-42.

Matthews, John A. and David T. Herbert. 2008. *Geography: A Very Short Introduction*. New York: Oxford University Press.

O'Donnell, P. 2015a. Historical Urban Landscape: A new UNESCO Tool for a Sustainable Future. In *Conserving Cultural Landscapes: Challenges and New Directions,* eds. Ken Taylor, Archer St. Clair and Nora J. Mitchell, 163-181. Routledge studies in heritage. New York: Routledge.

O'Donnell, P. 2015b. The Role of Reglatory Systems. In *Reconnecting the City*, eds. Francesco Bandarin, & Ron van Oers, 269-278. Chichester: Wiley Blackwell.

Pendlebury, John. 2009. *Conservation in the Age of Consensus*. London: Routledge.

Pereira Roders, Ana and Francesco Bandarin eds. 2019. *Reshaping Urban Conservation: The Historic Urban Landscape Approach in Action*. Switzerland: Springer Nature.

Pereira Roders, A. and J. Hudson. 2011. Change Management and Cultural Heritage. In *Facilities Change Management*, ed. Edward Finch, 175-189. Chichester: John Wiley & Sons.

Rössler, M. 2015. World Heritage Cultural Landscape: 1992-2012. In *Conserving Cultural Landscapes: Challenges and New Directions*, eds. Ken Taylor, Archer St. Clair and Nora J. Mitchell, 29-46. New York: Routledge.

Rypkema, D. 2015. Devising Financial Tools for Urban Conservation. In *Reconnecting the City*, eds. Francesco Bandarin, & Ron van Oers, 283-290. Chichester: Wiley Blackwell.

Silverman, Heline and D. Fairchild Ruggles 2007. *Cultural Heritage and Human Rights*. New York: Springer.

Smith, J. 2015. Civic Engagement Tools for Urban Conservation. In *Reconnecting the City*, eds. Francesco Bandarin, & Ron van Oers, 221–248. Chichester: Wiley Blackwell.

Sonkoly, Gábor. 2017. *Historical Urban Landscape*. Cham: Palgrave Macmillan.

Taylor, Ken and Jane Lennon eds. 2012. *Managing Cultural Landscapes*. Routledge, Key Issues in Cultural Heritage Series. London & New York: Routledge.

Taylor, Ken, Archer St. Clair and Nora J. Mitchell eds. 2015. *Conserving Cultural Landscapes: Challenges and New Directions*. Routledge studies in heritage. New York: Routledge.

Turner, M. 2013. UNESCO Recommendation on the Historic Urban Landscape. In *Understanding heritage: Perspectives in Heritage Studies*, eds. Marie-Theres Albert, Roland Bernecker and Britta Rudolff, 77-87. Bonn: De Gruyter.

UNESCO. 1972. *Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage (WHC: The World Heritage Convention)*, Adopted by the UNESCO General Conference at its seventeenth session Paris, 16 November 1972. https://whc.unesco.org/archive/convention-en.pdf (accessed 20 October 2019).

UNESCO. 1976. *Recommendation concerning the Safeguarding and Contemporary Role of Historic Areas*, Adopted by the UNESCO General Conference at its nineteenth session, Nairobi, 26 November 1976. https:// www.icomos.org/publications/93towns7o.pdf (accessed 10 October 2019).

UNESCO. 2005. *Vienna Memorandum on 'World Heritage and Contemporary Architecture – Managing the Historic Urban Landscape'*. The UNESCO International Conference on "World Heritage and Contemporary Architecture" held from 12 to 14 May 2005 in Vienna, Austria, The Memorandum adopted by the 29th session of the World Heritage Committee (Durban, 2005). https://whc.unesco.org/en/documents/5965 (accessed 20 November 2019).

UNESCO. 2011. *Recommendation on the Historic Urban Landscape*, including a glossary of definitions. Records of the General Conference, 36th session, Paris, 25 October - 10 November 2011, Vol. 1: Resolutions, pp. 50-55. https://whc.unesco.org/archive/2005/whc05-15ga-inf7e.pdf (accessed 10 September 2019).

UNESCO. 2019. *The UNESCO Recommendation on the Historic Urban Landscape*. Report of the Second Consultation on its

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]

Implementation by Member States, Paris: UNESCO World Heritage Centre.
Van Oers, R. 2010. *Managing Cities and the Historic Urban Landscape Initiative - An Introduction*. In *Managing Historic Cities*, eds. Ron van Oers and Sachiko Haraguchi, World Heritage Papers 27: 7-17. Paris: World Heritage Center/UNESCO.
Van Oers, R. and Sachiko Haraguchi eds. 2010. *Managing Historic Cities*, World Heritage Papers 27. Paris: World Heritage Center/UNESCO.
WHITRAP 2016. *The HUL Guidebook: Managing Heritage in Dynamic and Constantly Changing Urban Unvironments*. Available from: http://historicurbanlandscape.com/themes/196/userfiles/download/2016/6/7/wirey5prpznidqx.pdf (accessed 5 November 2019).
Zancheti, S. M. and J. Jokilehto. 1997. Values and Urban Conservation Planning some Reflections on Principles and Definitions. *Journal of Architectural Conservation* 3(1): 37-51.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.11]